**در تولد تازه، چه روی می‌دهد؟ (بخش دوم)**

یوحنا ۳:‏۱-‏۱۰

و شخصی از فریسیان، نیقودیموس نام، از رؤسای یهود بود. او در شب نزد عیسی آمده به وی گفت: «ای استاد! می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمایی، بنماید؛ جز اینکه خدا با وی باشد.» عیسی در جواب او گفت: «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از سرِ نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید.» نیقودیموس بدو گفت: «چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟ آیا می‌شود که بار دیگر، داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟» عیسی در جواب گفت: «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد، جسم است؛ و آنچه از روح مولود گشت، روح است. عجب مدار که به تو گفتم باید شما از سرِ نو مولود گردید. باد، هرجا که می‌خواهد، می‌وزد؛ و صدای آن را می‌شنوی. لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید؛ و به کجا می‌رود. همچنین است هر که از روح، مولود گردد.» نیقودیموس در جواب وی گفت: «چگونه ممکن است که چنین شود؟» عیسی در جواب وی گفت: «آیا تو معلم اسراییل هستی و این را نمی‌دانی؟»

امروز پیغام هفتۀ گذشته را دربارۀ رویداد تولد تازه تکمیل می‌نماییم. عیسی در انجیل یوحنا ۳:‏۷، به نیقودیموس فرمود: «عجب مدار که به تو گفتم باید شما از سرِ نو مولود گردید.» و در آیۀ ۳، به نیقودیموس، و به ما می‌فرماید که زندگی ابدی‌مان به این وابسته است که از نو تولد یابیم: «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از سرِ نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید.» پس ما با مطلبی حاشیه‌ای، دلبخواهی، یا سطحی و ظاهری در زندگی مسیحی مواجه نیستیم. تولد تازه، مثل آن آرایش و پیرایشی نیست که مسوولان کفن و دفن، بر روی اجساد انجام می‌دهند، تا آنها را زنده به نظر رسانند. تولد تازه، خلقتِ حیات روحانی است، نه تقلیدِ حیات.

جلسۀ گذشته، این پرسش را مطرح نمودیم که در تولد تازه، چه روی می‌دهد؟ و در دو جمله، بدان پاسخ دادیم: ۱) آنچه در تولد تازه، روی می‌دهد، به دست آوردنِ مذهب تازه نیست، بلکه حیات تازه؛ و ۲) آنچه در تولد تازه، روی می‌دهد، صرفاً این نیست که تأیید کنید که عیسی از اعلا آمده است، بلکه امری از اعلا را در خودتان نیز تجربه می‌کنید.

**حیات تازه، به واسطۀ روح‌القدس**

نیقودیموس یک فریسی بود و لبریز از دین و مذهب. اما از حیات روحانی برخوردار نبود. او کارِ خدا از اعلا را در عیسی مشاهده می‌کرد، اما خودش، آن کار خدا از اعلا را تجربه نکرده بود. پس اگر دو نکتۀ جلسۀ گذشته را کنار هم قرار دهیم، می‌بینیم که طبق آنچه عیسی فرمود، چیزی که نیقودیموس احتیاج داشت، حیات تازۀ روحانی بود، که می‌بایست از طریق روح‌القدس از اعلا، عطا می‌گشت. چیزی که آن حیات تازه را روحانی، و از اعلا می‌سازد؛ این است که آن حیات، عملِ خدای روح‌القدس است. این حیات تازه، چیزی فراتر از حیاتی است که به طور طبیعی، در قلب و مغز ما جاریست.

عیسی در آیۀ ۶ می‌فرماید: «آنچه از جسم مولود شد، جسم است؛ و آنچه از روح مولود گشت، روح است.» جسم، به نوعی از حیات برخوردار است. همۀ انسانها از نظر جسمانی، زنده هستند، ولی همۀ انسانها از نظر روحانی، زنده نیستند. برای اینکه از نظر روحانی، زنده گردیم؛ و به عبارتی، حیات روحانی داشته باشیم، عیسی می‌فرماید که باید «از روح مولود گردیم.» جسم، از یک نوع حیات برخوردار است؛ و روح، از نوعی دیگر. اگر از حیاتِ روح برخوردار نباشیم، ملکوت خدا را نخواهیم دید.

**به واسطۀ روح‌القدس، در عیسی**

سپس، در انتهای پیغام گذشته، به دو نکتۀ بسیار مهم اشاره نمودیم: رابطۀ تولد تازه با عیسی، و رابطۀ تولد تازه با ایمان. عیسی فرمود: «من راه و راستی و حیات هستم» (یوحنا ۱۴:‏۶)؛ و یوحنای رسول می‌گوید: «خدا حیات جاودانی به ما داده است؛ و این حیات، در پسر اوست. آن که پسر را دارد، حیات را دارد؛ و آن که پسر خدا را ندارد، حیات را نیافته است» (اول یوحنا ۵:‏۱۱-‏۱۲). پس از یک سو، آن حیات تازه‌ای که ما نیاز داریم، «در پسر» است؛ یعنی عیسی، که خودْ حیات است. اگر او را دارید، از حیات تازۀ روحانی و ابدی برخوردارید؛ و از سوی دیگر، عیسی در یوحنا ۶:‏۶۳ می‌فرماید: «روح است که زنده می‌کند.» اگر از روح، متولد نشوید، نمی‌توانید به ملکوت خدا راه یابید (یوحنا ۳:‏۵).

بنابراین، ما با پیوند به پسر خدا، که حیات ماست، از حیات برخوردار می‌شویم؛ و آن حیات، به واسطۀ کار روح‌القدس، از آنِ ما می‌گردد. از این‌رو، نتیجه می‌گیریم که کار روح‌القدس در احیا نمودنِ ما این است که ما را با یکی ساختن با مسیح، حیات تازه می‌بخشد. جان کالوین، این حقیقت را بدین شکل بیان می‌کند: «روح‌القدس آن پیوندی است که به وسیلۀ آن، مسیح ما را با خودش متحد می‌سازد؛ اتحادی ثمربخش و واقعی» (مبادی، ۳، ۱، ۱).

**اتحاد با عیسی، از طریق ایمان**

و سپس، ارتباط با ایمان را بدین شکل بیان کردیم. یوحنا ۲۰:‏۳۱ می‌فرماید: «این‌قدر نوشته شد، تا ایمان آورید که عیسی، مسیح، و پسر خداست؛ و تا ایمان آورده، به اسم او حیات یابید.» و اول یوحنا ۵:‏۴ می‌فرماید: «آنچه از خدا مولود شده است، بر دنیا غلبه می‌یابد؛ و غلبه‌ای که دنیا را مغلوب ساخته است، ایمان ماست.» تولد یافتن از خدا، کلید پیروزی است؛ و ایمان نیز کلید پیروزی است. زیرا به وسیلۀ ایمان است که تولد تازه از خدا را تجربه می‌کنیم. بنابراین، کل پیغام هفتۀ گذشته را این‌گونه خلاصه کردیم: در تولد تازه، روح‌القدس با پیوند دادنمان به عیسی مسیح از طریق ایمان، ما را از اعلا حیات تازۀ روحانی می‌بخشد.

**تولد تازه: خلقتی تازه، نه بهبودیِ طبیعت گذشته**

اکنون به سومین روشی می‌رسیم که رویداد تولد تازه را توصیف نماییم. آنچه در تولد تازه، روی می‌دهد، این نیست که طبیعت گذشته‌تان را بهبود بخشد، بلکه طبیعت تازه‌ای را در شما به وجود می‌آورد؛ طبیعتی که همچنان خودِ شما هستید؛ ولی طبیعتی که آمرزیده و پاک شده است. طبیعتی که واقعاً تازه است؛ و به دست روح خدا، که در شما ساکن می‌شود، شکل می‌گیرد.

من مسیری را طی کرده تا به این مهم رسیده‌ام؛ و حال، به همراه هم، مسیر کوتاه‌تری را طی می‌کنیم تا به این نکته برسیم. عیسی در یوحنا ۳:‏۵، به نیقودیموس می‌فرماید: «آمین آمین به تو می‌گویم، اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود.» منظور عیسی از به کار بردن عبارت «از آب و روح» چیست؟ برخی از فرقه‌ها بر این باورند که این عبارت، به تعمید در آب اشاره دارد، چنان که روح‌القدس از این طریق، ما را با مسیح یکی می‌سازد. برای نمونه، در یکی از تارنماها چنین نوشته شده است:

تعمیدِ مقدس، اساسِ کلِ زندگی مسیحی است؛ راهی است به سوی حیات در روح، و دری است که دسترسی به سایر آیینهای کلیسا را ممکن می‌سازد. ما به واسطۀ تعمید، از گناه، آزاد شده، و در مقام فرزندانِ خدا، از نو تولد می‌یابیم. ما اعضای مسیح گشته، به کلیسا ملحق شده، و در مأموریت و خدمتش سهیم می‌گردیم: «تعمید، آیینِ حیاتِ دوباره یافتن است؛ که از طریق آب، در کلام به انجام می‌رسد».

میلیونها انسان چنین تعلیم گرفته‌اند، که با تعمید در آب، تولد تازه می‌یابند. اگر جز این است، پس این تعلیم، فاجعه‌ای جهانی و عظیم است؛ و من باور دارم که حقیقت جز این است. پس منظور عیسی چیست؟

**چرا واژۀ «آب» در یوحنا فصل ۳، اشاره به تعمید در آب نیست؟**

من به چندین دلیل، بر این باورم که آب در اینجا به تعمید در آب اشاره نمی‌کند. در ادامۀ مطالعه‌مان در چارچوب این آیات، متوجه می‌شویم که «آب» به چه اشاره دارد.

**۱) در ادامۀ فصل، به تعمید در آب هیچ اشاره‌ای نشده است**

نخست اینکه، اگر واژۀ آب در اینجا به تعمید در آب اشاره می‌داشت؛ و اگر چنانچه برخی معتقدند، تعمیدِ آب، لازمۀ تولد تازه می‌بود، عجیب به نظر می‌رسد در این فصلی که عیسی راجع به برخوردار شدن از حیات ابدی سخن می‌گوید، این مهم، جزیی از گفته‌های او نباشد. آیۀ ۱۵: «هر که به او ایمان آرد، حیات جاودانی یابد.» آیۀ ۱۶: «هر که بر او ایمان آورد، هلاک [نخواهد شد]، بلکه حیات جاودانی یابد.» آیۀ ۱۸: «آن که به او ایمان آرد، بر او حکم نشود.» اگر تعمیدِ آب، تا این حد برای تولد تازه یافتن، اساسی می‌بود، عجیب به نظر می‌رسد که به همراه ایمان، بدان اشاره نشده باشد.

**۲) باد، تشبیهِ مناسبی برای تعمید در آب نیست**

دوم اینکه، اگر تولد تازه، به طور قطعی به تعمید در آب وابسته می‌بود، عجیب است که در آیۀ ۸، به باد تشبیه شده باشد. عیسی می‌فرماید: «باد، هرجا که می‌خواهد، می‌وزد؛ و صدای آن را می‌شنوی. لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید؛ و به کجا می‌رود. همچنین است هر که از روح، مولود گردد.» با توجه به این آیه، چنین به نظر می‌رسد که همان‌گونه که باد هرجا که بخواهد، می‌وزد، خدا نیز در به وجود آوردنِ تولد تازه، مختار است. حال آنکه اگر قرار بود که با آب پاشیدن بر نوزادان، تولد تازه رخ دهد، به نظر نمی‌رسد که بتوان در این مفهوم، آن را به باد تشبیه کرد، چرا که اگر چنین می‌بود، باد را بسی محدود به آیینِ تعمیدِ آب می‌نمود.

**۳) تعمید در آب، با نکوهش شدنِ نیقودیموس تناسبی ندارد**

سوم اینکه، اگر منظور عیسی، تعمید در آب می‌بود، به نظر عجیب می‌رسید که در آیۀ ۱۰، به نیقودیموسِ فریسی چنین بگوید: «آیا تو معلم اسراییل هستی و این را نمی‌دانی؟» اگر عیسی به چیزی اشاره می‌نمود که در عهد‌عتیق تعلیم داده شده بود، قابل درک می‌بود که این‌گونه با نیقودیموس سخن گوید، ولی اگر منظورش تعمید در آب است، لزومی نداشته که نیقودیموس را که یکی از معلمان اسراییل بود، به خاطر عدم درک گفته‌اش سرزنش کرده باشد، چرا که تعمید در آب، پس از حیات و مرگ عیسی معنا یافت.

**۴) آب و روح، به وعده‌های عهد و پیمان جدید مربوط می‌شوند**

و سرانجام اینکه همان جمله در آیۀ ۱۰، ما را به عهد‌عتیق، و به طور خاص به حزقیال فصل ۳۶، و پیش‌زمینه‌ای برمی‌گرداند، که ارتباطِ نزدیکِ آب و روح را با وعده‌های عهد و پیمان جدید درمی‌یابیم. پس با هم به آن فصل، و متنی برویم که ادامۀ پیغام امروز را بر آن بنا کرده‌ایم.

**آب و روح، در حزقیال ۳۶**

حزقیال آن چیزی را نبوت می‌کند که خدا پس از بازگرداندن قومش از تبعید در بابِل، برای ایشان به انجام خواهد رساند. ماحصلِ آن کار، بسی وسیع‌تر از آن است که صرفاً به قوم اسراییل محدود باشد، زیرا عیسی مدعی بود برای همگانی که به او اعتماد خواهد نمود، عهد‌ و پیمانی تازه را با خونِ خودش استوار خواهد ساخت (لوقا ۲۲:‏۲۰)؛ و حزقیال ۳۳، یکی از وعده‌های آن عهد و پیمان جدید است، همانند آنکه در ارمیا فصل ۳۱، و از آیۀ ۳۱ به بعد وعده داده شده است. این آیات را با هم بخوانیم. حزقیال ۳۶:‏۲۴-‏۲۸:

شما را از میان امتها می‌گیرم؛ و از جمیع کشورها جمع می‌کنم؛ و شما را در زمینِ خود درخواهم آورد؛ و آب پاک بر شما خواهم پاشید؛ و طاهر خواهید شد؛ و شما را از همۀ نجاسات، و از همۀ بتهای شما طاهر خواهم ساخت؛ و دل تازه به شما خواهم داد؛ و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد؛ و دلِ سنگی را از جسدِ شما دور کرده، دلِ گوشتین به شما خواهم داد؛ و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد؛ و شما را به فرایضِ خود، سالک خواهم گردانید، تا احکام مرا نگاه داشته، آنها را به‌جا آورید؛ و در زمینی که به پدران شما دادم، ساکن شده، قوم من خواهید بود؛ و من خدای شما خواهم بود.

من فکر می‌کنم که این کلامِ عیسی، از آن آیات ِذکر شده ناشی می‌گردد: «اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود.» خدا به چه کسانی می‌فرماید: «قوم من خواهید بود؛ و من خدای شما خواهم بود» (آیۀ ۲۸)؟ آیۀ ۲۵: به آنانی که خطاب به ایشان می‌فرماید: «آب پاک بر شما خواهم پاشید؛ و طاهر خواهید شد از همۀ نجاسات»؛ و در آیۀ ۲۶، به آنانی که خطاب به ایشان می‌فرماید: «دل تازه به شما خواهم داد؛ و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد.». به بیان دیگر، آن کسانی به ملکوت راه می‌یابند که تازه شده‌اند؛ تازگی که نتیجۀ پاک شدنِ طبیعتی کهنه، و خلقت طبیعتی تازه است.

بنابراین، نتیجه‌گیریِ من این است که «آب و روح»، به دو جنبه از تازه شدنِ ما به هنگام تولد تازه اشاره دارند؛ و این دو، از آن جهت اهمیت دارند، که وقتی می‌گوییم روحی تازه، یا دلی تازه به ما داده می‌شود، منظورمان این نیست که ما از آن کسی که هستیم، بازمی‌ایستیم؛ یعنی از آن خودی که باید از نظر اخلاقی، حساب پس دهد. من پیش از اینکه تولد تازه بیابم، جان پای‌پِر بودم؛ و پس از تولد تازه‌ام نیز همان شخصِ جان پای‌پِرم. این چیزی است که در آن استمرار وجود دارد. به همین دلیل است که باید پاکی صورت بگیرد. اگر آن انسانِ قدیمی؛ یعنی جان پای‌پِر، به طور کامل از بین می‌رفت، دیگر مفهومی به نام آمرزش و پاک شدن مطرح نمی‌بود، چرا که دیگر ته‌مانده‌ای از گذشته نمانده بود که بخواهد بخشیده، یا پاک گردد.

می‌دانیم کتاب‌مقدس به ما می‌گوید که انسانیتِ کهنۀ ما مصلوب گشت (رومیان ۶:۶)؛ و ما با مسیح، مرده‌ایم (کولسیان ۳:۳)؛ و «خود را مرده انگاشته‌ایم» (رومیان ۶:‏۱۱)؛ و «انسانیت کهنه را از خود بیرون کرده‌ایم» (افسسیان ۴:‏۲۲). اما هیچ‌یک از اینها بدان معنا نیست که در طی زندگی، انسانی دیگر در نظر باشد. بلکه منظور این است که یک طبیعت کهنه، یک شخصیت کهنه، یا به عبارتی، یک نهاد و فطرتی وجود دارد، که باید از سیطرۀ آن خارج شد.

پس وقتی دربارۀ دل تازه‌تان، روح تازه‌تان، و طبیعت تازه‌تان می‌اندیشید، این‌گونه نگاه کنید که هنوز خودِ شما وجود دارید؛ و چون هنوز خودتان وجود دارید، در نتیجه به بخشیده شدن و پاک گشتن نیازمندید؛ و این نکته‌ای است که واژۀ «آب» بدان اشاره دارد. گناه من باید شسته شود. پاک گشتن با آب، تصویری از این واقعیت است؛ و ارمیا ۳۳:‏۸، آن را بدین شکل بیان می‌کند: «و ایشان را از تمامی گناهانی که به من ورزیده‌اند، طاهر خواهم ساخت؛ و تمامی تقصیرهای ایشان را که بدانها بر من گناه ورزیده، و از من تجاوز کرده‌اند، خواهم آمرزید.» پس آن انسانی که هستیم، آن انسانی که وجودش استمرار دارد، باید آمرزیده شده، و گناهش شسته گردد.

**نیاز به تازه شدن**

ولی بخشیده شدن، و پاک گشتن کافی نیست. من باید تازه گردم. باید تبدیل شوم. من به حیات احتیاج دارم. من به شیوۀ تازه‌ای از دیدن، اندیشیدن، و ارزش گذاردن احتیاج دارم. به همین دلیل است که حزقیال در آیۀ ۲۶ و ۲۷، از دل تازه، و روح تازه سخن می‌گوید: «دل تازه به شما خواهم داد؛ و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد؛ و دلِ سنگی را از جسدِ شما دور کرده، دلِ گوشتین به شما خواهم داد؛ و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد؛ و شما را به فرایضِ خود، سالک خواهم گردانید، تا احکام مرا نگاه داشته، آنها را به‌جا آورید».

درک من از این آیات، چنین است: بدون شک، دل سنگی، دلی است مرده، که به واقعیتهای روحانی، بی‌حس و بی‌رغبت است؛ البته این دلِ شما پیش از تولد تازه، کاملاً بی‌حس نبود. این دل به چیزهای زیادی اشتیاق داشت و خواهانشان بود، اما در مقابلِ حقیقت روحانی، و زیبایی عیسی مسیح، و جلال خدا، و مسیر قدوسیت، دلی سنگی بود. اگر می‌خواهیم ملکوت خدا را ببینیم، این دل باید تغییر کند. از این‌رو، در رویداد تولد تازه، خدا دل سنگی را برمی‌دارد؛ و دل گوشتین می‌بخشد. واژۀ «گوشتین»، صرفاً به معنای «انسان» نیست، چنان که در یوحنا ۳:‏۶ بدان اشاره شده، بلکه به معنای دلی نرم و زنده و پذیرا و با حس بوده، که با دلی سنگی و فاقد حیات، جایگزین می‌گردد. در رویداد تولد تازه، دلِ سنگی و مردۀ ما، که از مسیح دل‌زده و ملول است، با دلی جایگزین می‌گردد، که ارزش عیسی را احساس می‌کند (حس روحانی).

پس وقتی حزقیال در آیات ۲۶ و ۲۷ می‌گوید: «روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد . . . و روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد؛ و شما را به فرایضِ خود، سالک خواهم گردانید»، فکر می‌کنم منظورش این است که در رویداد تولد تازه، خدا حیاتی زنده و روحانی، و از اعلا را در دلهای ما جای می‌دهد؛ و آن حیات تازه؛ آن روح تازه، کار روح‌القدس است که دل تازۀ ما را شکل و شخصیت می‌بخشد.

تصویری که من در ذهن دارم، این است که آن دلِ تازه و گرم و با حس و پذیرا و زنده، مانند توده گِلی نرم است، که روح‌القدس، قالبِ خودش را بر آن زده، و آن را از نظر روحانی و اخلاقی، به شکل خویش درمی‌آورد. از آن سبب که روح‌القدس درون ما ساکن است، دل و فکرمان نیز شخصیت؛ یعنی روح او را به خود می‌گیرند (افسسیان ۴:‏۲۳ را مشاهده نمایید).

**عیسی را چون گنجینۀ خود پذیرا باشید**

پس به عقب بازگردیم؛ و مطالب دو هفتۀ گذشته را خلاصه نماییم. در تولد تازه، چه روی می‌دهد؟ در تولد تازه، روح‌القدس با پیوند دادنمان به عیسی مسیح از طریق ایمان، ما را از اعلا، حیات تازۀ روحانی می‌بخشد. یا اگر بخواهیم به شکل دیگری بیان کنیم، روح‌القدس، ما را با مسیح یکی می‌سازد؛ و در مسیح است که گناهانمان پاک شده، و روح‌القدس دل سنگی و بی‌حس ما را با دلی نرم جایگزین می‌نماید، دلی که عیسی را بالاتر از هر چیز دیگری عزیز می‌دارد؛ دلی که حضور روح‌القدس، او را به دلی تبدیل نموده که دوستدار به‌جای آوردن ارادۀ خداست (حزقیال ۳۶:‏۲۷).

از آنجا که همۀ اینها را به وسیلۀ ایمان تجربه می‌کنید، اکنون در نام عیسی، و به قدرت روحش، شما را دعوت می‌کنم که عیسی را چون گنجینۀ زندگی‌تان بپذیرید، گنجینه‌ای که گناهانتان را بخشیده، و شما را تبدیل می‌نماید.